

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه فاطر (جله سوم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۸/۰۴/۰۵

مکتب تشیع مفتخر است به مکتبی که **امام جعفر صادق** (علیه السلام) بنا کردند. احکام شرعی و خیلی از مسائلی که در سبک زندگی ما وجود دارد از ازدواج و بچه‌داری و... به یمن وجود امام صادق (علیه السلام) است. روایات لباس و خوراک و... از ایشان نقل شده است. جا دارد به طور ویژه‌ای سپاسگزار این امام بزرگوار باشیم. اسم جعفر حالت توسعه و گسترش ویژه در حد ایجاد شاهراه‌های مختلف است و منجر به توسعه می‌شود. صادق بودن هم با این مرتبط است که ان‌شاءالله در عمل به مرحله صدق برسیم. صادق در مرحله عمل با حق انطباق دارد. مرحله‌ای که باید مومن و متقی بودن و مسلمان بودنش را عملاً به اثبات برساند. از امام صادق (علیه السلام) به بعد، جریان تشیع وارد یک عملیات ابلاغی خاصی شده است. برای اینکه بتوانیم با حضرت محشور شویم و نواقص مان برطرف شود، صلواتی ختم بفرمایید.

### نظام اختیار

الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

فرض کنید انسان در کره زمین نبود چه اتفاقی می‌افتد. نظام اختیار در حوزه موجودات به انسان **تفویض** شده است و در این نظام انسان بین تضادها قرار می‌گیرد و بین حق و باطل و این تضادها قدرت ویژه‌ای برای پرواز او فراهم می‌کند. اگر این نظام نبود، اینقدر قدرت اوج را نداشت. بعد از اینکه قدرت اوج پیدا کرد، می‌تواند در خلق تأثیر بگذارد. قواعد و قوانین عالم را متأثر از وجود خود می‌کند و به واسطه‌ها نیاز پیدا می‌کند. «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» متأثر از انسان و قوه اختیار او است و و نیاز به وسائط بیشتر پیدا می‌کند.

داستان زیبایی انسان زمانی است که خلاقیت پیدا می کند و به واسطه خلاقیت می تواند کارهای زیادی در عالم انجام دهد. بنابراین «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» مربوط به قوه انسان است و باید جایی باشد که امکان اضافه شدن باشد که فقط در **حوزه اختیار** چنین امکانی هست در غیر اینصورت بقیه موجودات وضعیت شان ثابت است.

### فتح و امساک اختصاصی در حوزه انسان

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)

همه موجودات نیاز به نزول رحمت الهی دارند. همه نیاز به جریان و **بارش رحمت** دارند و همه در جایی گرفتار می شوند و به کسی که بتواند نیازشان را برطرف کند، محتاج اند. اما انسان طور دیگری است. گیر کردن های انسان خیلی شدید است و نیاز به فتح های ویژه دارد. در انسان فرقی نمی کند، نبی هم که باشی در مخصصه ها «متی نصرالله» را خواهی گفתי. گرفتاری ها آنقدر زیاد می شود که «متی نصرالله» بر زبان جاری می شود. **فتح و امساک** در انسان حالت اختصاصی پیدا می کند و نیاز به فتح های خاص و امساک های خاص خواهد داشت و یا دچار امساک های خاص می شود.

### نعمت و رزق

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآنَى تُؤْفَكُونَ (۳)

نعمت برای انسان خیلی ویژه است. در مورد حیوانات اطلاق نعمت ندارید و به چهارپایان انعام می گویند چون برای انسان کاربرد دارد. در واقع این سوره شبکه واژگانی اختصاصی انعام را باز می کند. بعضی از واژگان در دایره همه مخلوقات و برخی از آنها در انسان معنا دارد.

**رزق** مستقیماً به نوعی حیات مادی یا معنوی ختم می شود. یعنی عامل حیات را رزق گویند و بهره از حیات را **نعمت** می گویند. رزق بعد از نعمت است. رزق، حیات را ایجاد می کند و حیات، نعمت را.

## امور انسان

وَإِنْ يَكْذِبُوا فَكَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)

امور از مواردی است که خاص انسان است و بقیه موجودات خیلی به این معنا امور ندارند. انسان شئون و حالات متعددی دارد. ممکن است در زندگی معمولی هم قابلیت انجام چندین کار را همزمان داشته باشد. ولی بقیه موجودات چنین خصوصیتی را نداشته باشند.

**امور** یعنی موضوعاتی که به فعل و عمل در می آید.

## وعده و حیات دنیا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۵)

مفهوم **بردار** که در ریاضات خوانده شده است، در انسان معنا پیدا می کند. یعنی «از تا»، یعنی برآیند بردارها و قانونها که به اینها وعده گویند. وعده یعنی «از تا» هایی که خداوند به عنوان قانون در زندگی انسان قرار داده است.

حیات دنیا یعنی جلوههایی که انسان با آن مواجهه است و نوعاً هم **اعتباری** است. مثلاً انسان چیزی را دریافت می کند و با اینکه واقعی نیست، الکی خوش می شود. حیات دنیا یعنی جلوههای طبیعی انسان که هست و از آنها استفاده می کند. اما جلوه های باطنی تر هم وجود دارد. خوشمزگی غذا هست اما گاهی باید از آن صرفه نظر کرد که در اثر این صرفه نظر کردن، لذت ویژه ای نصیب فرد می شود. حیات دنیا دم دست است. یک بو، یک رنگ و.. است. حیات دنیا چیزی است که **جلوه** دارد و نزدیک است اما حیات آخرت بر اساس یک وعده است و حق است و جلوه دارد و ما با آن حیات دنیا داریم زندگی می کنیم و وجود داریم. جلوه های دنیا هست اما نباید فریض را خورد. نباید به خاطر خوشمزه بودن غذایی، قواعد انفاق و زکات و.. را زیر پا بگذاریم. همه درگیر حیات دنیا هستیم و مهم است که فریب آن را نخوریم.

## شیطان عامل تشدید کننده دوگانگی های دنیا

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)

**دنیایی پر از تضاد** که با حضور شیطان دوگانگی این دنیا تشدید می شود. خداوند برای این دوگانگی خیلی طرح و برنامه دارد و رشد انسان وابسته به این دوگانگی هاست. این تضادهاست که انسان را رشد می دهد. اینکه مثلا چیزی را دلمان می خواهد اما نمی خوریم است، که ما را رشد می دهد. پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) در مورد **مخالفت با نفس** می فرمایند هر کسی هر پیشرفتی خواست انجام بدهد با نفسش مخالفت کند.

کار شیطان دشمنی است و به صورت واضحی می گوید که جلوه حیات دنیا را برای شما بیشتر می کنم تا این دنیا برای شما مثل چسبی شود که نتوانید آن را بکنید!

## اعمال مغفرت آفرین

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

اینها **خاصیت وعده** است. هر کسی به هر اندازه کفر داشته باشد، عذاب هم با او هست. هر کسی به هر اندازه ای عذاب دارد، بداند به همان اندازه کفر دارد. حال دنیا اینگونه است که مانند مسکرات در حالتی قرار می گیرد که فراموشی به او دست می دهد.

جالب است که رحمت الهی آنقدر توسعه دارد که در لحظه، برای شما مغفرت و اجر کبیر دارد و نباید دنبال بعدش بگردید! هر زمانی که احساس کدورت و تاریکی کردید و در گرفتگی و عذاب و حال بدی ها، یک کار خوب انجام دهید، حتما مغفرت و جبران دارد و این قاعده خلقت است.

در روایات اعمالی را نشان می دهند که در مغفرت داشتن سرآمد هستند. مثلا کافی است انسان **غم** گرفتاری را برطرف کند. در مسجدی وارد شود و دو رکعت **نماز** بخواند. کافی است در روایات، **اعمال مغفرت آفرین** را پیدا کرد. می توان فهرستی از آنها درست کرد. مثلا هفتاد بار **استغفار** در روز از اعمال مغفرت آفرین است که به شدت اثر دارد. یا یازده بار **قل هو الله** در صبح خواندن و یا خواندن **آیت الکرسی** در مواقع خطر. این فهرست را بر اساس روایات می توان تکمیل کرد. البته همه اعمال به شرط ایمان می توانند ایجاد مغفرت کنند. مثلا در مورد **افشای سلام** چقدر روایت وجود دارد. سلام های گرم کردن، اعتنا به دیگران و از سوئی سلام های خفیف کردن

ممکن است فردی را به عذاب نزدیک کند. سلام کردن خیلی ساده است. برخی چیزهای ساده را که انسان یاد بگیرد به مغفرت‌های دائم دست پیدا می‌کند. به مومنی که رسیدی بلند سلام کن و جوری سلام کنی که محبت در دل ایجاد کند. سلام یواش، محبت کمی می‌آورد. جوری سلام کنی که در آن القای دوستی باشد. سلام آرام ممکن است ایجاد سوءظن کند.

مدل‌های مختلفی از سلام را می‌توان در ذهن داشت و برای هر فردی می‌توان سلام مخصوصی داشت. حتی برای هر امامی می‌توان سلام‌های مخصوصی به کار برد. سلام خیلی عجیب است. جزء مفتاح‌های است که می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند. سلام گرم داشتن خیلی خوب است. کسانی که سرد سلام می‌کنند بعداً برای جبران این سلام سردشان باید بنشینند و کلی حرف از این در و آن در بگویند! سلام خوب از زیرکی‌های مومن است. اعمال مغفرت آفرین را می‌توان به عنوان یک موضوع برای پژوهش قرار داد.

مغفرت بیشتر به معنای جبران و ترمیم است. **خاصیت غسل** ترمیم‌کنندگی است. مغفرت هم مثل ورود غسل در زندگی انسان است و حالت شفا و ترمیم‌کنندگی دارد. هر روز صبح که بیدار می‌شوم، می‌دانم که کمبودهایی در گذشته من وجود دارد اما از سویی هم می‌دانم خداوند مغفرتی دارد که با آن همه گذشته مرا جبران می‌کند. حال مغفرت مانند «خیر من الف شهر» است. مغفرت و اجر کبیر خاص انسان است

### حسرت

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)

پیامبر حسرت می‌خورد که این همه **امکانات** برای انسان بود اما انسان استفاده نکرد.

### ریح و قواعد حیات

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (۹)

برخی از پدیده‌ها در زندگی هستند که جرمیت و جسمیت ندارند. کتاب و غذا و آب و... دارای جرمیت و جسمیت هستند و از آنها کار بر می‌آید. این‌ها عینیت دارند و جرمیت دارند اما برخی از پدیده‌ها چیزی نیستند اما همه چیز هستند! مانند باد.

**باد** اختلاف سرما و گرمایی است که در اثر آن جابجایی هوا اتفاق می‌افتد. چیزی نیست.. اما همانی که چیزی نیست، ایجاد باران می‌کند و گیاه به واسطه آن رویش می‌یابد. باد از آیات مهم خداوند است. هر کسی می‌خواهد بفهمد روح چیست، باید برود ریح چیست. باد چیست، باید در موردش جستجو کرد. در سوره مبارکه شوری همین موضوع را مفصل‌تر می‌گوید.

غیر از ریح چه چیزهایی می‌بیند که شبیه باد باشد؟ آنچه که جنسی شبیه باد دارد. چیزی نیست اما سرمنشاء خیلی چیزها می‌شود. حال **ذکر** نیز همین است. نسبت به خدا در دلش خالی می‌شود و جریانی از رحمت در او جریان می‌یابد و اشک‌ها سرریز می‌شوند.. و باران می‌گیرد. وضع دعا و حال اجابت مانند همین ریح می‌شود. ریح خودش یک مدل است برای مخلوقاتی که وجود دارند.

شناختن انواع پدیده‌ها و کشف شباهت‌ها. در اثر دیدن این شباهت‌ها، کشف قواعد حاکم بر آنها در فرد رخ می‌دهد.

مثال دیگر برای ریح، **علم** است. خیلی وقت‌ها علم‌آموزی شبیه ریح است. علم اگر مثل ریح است نحوه آموزش آن به این صورت است که به یک نیاز ویژه وابسته است. وقتی نیاز ایجاد می‌شود گویی همه جریانات عالم بسیج می‌شوند تا حقایق را به او برسانند.

فایده دانستن این است که «آب کم جو تشنگی آور به پیش». یعنی کاری کن که نسبت به علمی تشنگی در تو ایجاد شود، آنوقت علم خودش نازل می‌شود و این مشروط است به اینکه علم شبیه باد باشد که این نیاز به تحقیق دارد.

برخی از حقایق در قرآن حالت مثلی پیدا کرده است و در انتهای همین آیه از «كذلک النشور» می‌گوید. باید ببینیم که در اطراف ما چه چیزهایی شبیه این وجود دارد.

**كذلک النشور** در سوره قیامت گفته شده است. ریح باد را «تثیر» می‌کند یعنی فقط جمع نمی‌کند بلکه بارور هم می‌کند، اثاره دارد. بحث سحاب است و جاری شدن حیات و گویا قاعده حیات همین است. جریانی که به واسطه آن روحی جاری می‌شود و در اثر آن نبات و رویشی اتفاق می‌شود. در روز قیامت نیز همین الگو هویدا می‌شود. الگو حرکت به سمت حیات، به همین صورت است. چرخه حیات است و هر نشری خاصیتش همین است.

بخش بستر و بخش بلد میت. جریانی از نزول با مولفه‌های مختلف، گیرنده نبات در ارض میت است. آب هر جایی که **بذری** باشد، باعث حیات می‌شود و قابلیت دریافت مهم می‌شود. عالم وسائط را در عالم بالادستش می‌بیند. در حوزه برطرف شدن فقر، مصارف زیادی دارد. این نشان می‌دهد اگر کسی دچار تنگی رزق شده است، باید جریانی را فعال کند تا رزقش فراوان شود. نیازی را باید در خود تاکید کند تا جریان ریاح سبحانی را به سمتش هدایت کنند. امام جواد (علیه السلام) دعایی در باب رفع پریشانی و تنگی رزق دارند و از همین قاعده استفاده می‌کنند. دعای خیلی جالبی است. رزق به درون انسان وابسته می‌شود و تحولاتی در درون شکل می‌گیرد تا رزق داده شود.

عالم‌ترین فرد در زمان ما بقیه الله الاعظم (روحی و ارواح العالمین لثراب مقدمه الفداء) هستند. حتما ایشان به دنبال کسی می‌گردند که علمی را که نیاز اوست به او برساند. این عالم صاحب دارد و ولیّ حی دارد. اگر کسی نیازش فعال شود، حتما ولیّ عالم، به او عطا خواهد کرد.

### عزت خواهی انسان

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ (۱۰)

همه انسان‌ها عزت می‌خواهند. تعبیر در اینجا **گلایه آمیز** است. ما می‌دانیم که همه شما به دنبال عزت هستید و شما هم که می‌دانید عزت نزد خداست. **عزت** به معنای این است که حالت پایدار دارد و منافعش دستخوش کاستی نشود، بلکه زیاد می‌شود و هیچوقت دچار شکست و مغلوب نگردد. عزت وضعیتی است که فرد می‌خواهد در قله‌ای قرار بگیرد که هیچوقت مغلوب نشود، پولی داشته باشد که هیچوقت زائل نشود. رزقی داشته باشد که فانی نشود، چیزی که مندرس نشود و..، در همه چیز انسان چنین می‌خواهد.

سرّ عزت «يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» هم، همین است.

## چرخه حیات

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

اشاره خدا به اصل انسان، سیر از استعدادی به استعدادی دیگر و نقل مکان انسان را نشان می‌دهد. یکسری از حرکت‌ها مثل ریاح است اما یکسری از آنها مثل اینجا مرحله مرحله‌ای است. حتما سیر و کنش و واکنش دارد. باید دید غیر از این، چه چیزهای دیگری وجود دارد.

سوره حج نیز همین را دارد اما با شکلی متفاوت. از ترابی که نطفه ایجاد می‌شود، مراحل بعدی را نمی‌گوید تا به ازواج می‌رسد. چرخه‌ای که ایجاد عمر می‌کند. چرخه حیات را از تراب به ازواج و از ازواج به انسان‌های دیگر را، مطرح می‌کند.

## دو مدل دریا

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَبَسُّونَهَا وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

دو تا دریا دارید که یکی شیرین و دیگری شور است و این دو مساوی نیست. اما در عین حال هر کدام ماهی‌های مخصوص دارند و حيله دارند. با اینکه کاملا متمایز هستند اما می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند و ایجاد **منفعت‌های مشترک** کنند. در نظام‌های انسانی نیز اینگونه است و باید ببینیم چه چیزی شبیه دو تا بحر است.

## مدل شب و روز

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)

بعضی پدیده‌ها مثل شب و روز هستند. چه چیزهایی شبیه شب و روز هستند. نهاری که لیل می‌آید و آن را تصاحب کند و یک نهاری که لیل، آن را تصاحب می‌کند.

**کشف مشابه** شب و روز در اطراف. در شب و روز باید ماهیت نور و ظلمتی باشد و یک منبع نورانی می‌خواهد و تغییراتش باید حتما نسبت به آن منبع نورانی باشد.

ظلمت در اینجا به معنای کفر نیست بلکه به معنای نهفتگی است. در سلول گیاهی یک منطقه استراحت و یک منطقه فعالیت وجود دارد و اینها شبیه به آن می‌شوند.

اطراف شما یکسری پدیده و رخداد در مورد خودتان و دیگران می‌بینید، حتی در حوزه‌های تربیتی. وقتی ایجاد شباهت می‌کنید روی آنها مسلط می‌شوید. کار رویکردی و ذهنی می‌کنید و این به شما قدرت و ابداع می‌دهد. از راه‌های خلاقیت در قرآن استفاده از مثل‌ها و فعال کردن ذهن نسبت به آن مثال‌ها و مشاهده آنها در اطراف است. قواعد مثل بالا را به رخداد تسری می‌دهید و این ایجاد قابلیت فهم می‌کند.

مدل شب و روز، نهفته و آشکار است. برخی از پدیده‌ها به شدت شبیه شب و روز می‌شوند.

در مخلوقات شر و خیر نیست. در موجودات شب صفت کمالی است.

حیات دنیا و حیات آخرت، با یکدیگر نسبت شب و روزی دارند. «والامر یومئذ لله» یعنی در آخرت چیزی نهفته نیست و دنیا به نسبت آخرت مثل شب به روز است. قیامت و حیات دنیا هر دو پدیده هستند و این موارد آیات دارد. این باعث می‌شود که انسان از قیامت نترسد چون مانند روز روشن کننده است. در روز همه چیز دیده می‌شود و این خیلی خوب است.

این طرح یک موضوع است و جای تفکر و تحقیق زیادی دارد، ایجاد الگو و وجه مثلثیت برای پدیده‌ها.

خدا کسانی را می‌بیند که غیر خدا را می‌خوانند.

## دعا و اجابت

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرَكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱۴)

خدا خودش را به نوعی معرفی می‌کند. خدا آن است که وقتی بنده‌ای او را می‌خواند می‌شنود و توان استجابت دارد.

باید چنین خدایی را پرستید. در سوره مبارکه حج می‌گوید چیزی را می‌پرستد که فقط اسمش خداست و خاصیت

ندارد.

## تمرین: جرأت دعا کردن و خواستن

برای این هفته تمرین کنید که شما هستید و خدا. اگر خدا حرفتان را شنید، خداست و اگر نشنید، خدا نیست! یا می‌شنود و می‌تواند اجابت کند پس خداست، یا نمی‌شنوند و اجابت نمی‌کند پس جرات کنید و خدای خودتان را تغییر دهید!

خدایی که چیزی را نمی‌شنود و نمی‌تواند اجابت کند خدا نیست چون خودش گفته است «إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَكُلُّكُمْ لَكُمْ». استجابت به معنای این نیست که همانی که تو بخواهی را به تو می‌دهد بلکه با رحمت و رأفت تو را بدرقه می‌کند. یعنی اگر نیازی داشته باشی تو را بی‌جواب نمی‌گذارد. اگر کسی فکر کرد که آنچه را می‌خواهد باید خدا همان را بدهد، این یعنی اینکه تو خدایی می‌کنی و این نمی‌شود. اجابت می‌کند یعنی پاسخ‌ات را می‌دهد.

تا هفته بعد لطفاً هر حرفی دارید به خدا بزنید و بدانید که استجابت شده است. فایده این کار این است که همز و لمز با خود ندارید و به خود بد و بیراه نمی‌گویید. در هر دعایی، فضایی باز برای خود می‌بیند و رحمتی که به طور حتم گسترده می‌شود. یعنی صد تا دعا، صد حال خوب است. باید زمانی با خدا حسابان را تسویه کنیم و خدای حقیقی را جای خدای قلبی جایگزین کنیم. خدای حقیقی همان است که حتماً می‌شنود و حتماً استجابت می‌کند. صدبار اگر چیزی را گفتم، نباید تبدیل به این شود که خدایا صد بار گفتم و نشنیدی! این اسم‌اش خدا نیست. اگر خدا، خداست چنین می‌کند و خدا خیلی وقت‌ها می‌خواهد ایمان بنده را بسنجد.

خدا را می‌خوانم و حتماً اجابت می‌شود. دنیاست، بعداً اجابتش را می‌بینم. گویی الان در شب هستم و در روز اجابت آن را خواهم دید. اعتقاداتی در عالم وجود دارد که به خاطر نداشتن آن اعتقادات ضربه می‌خوریم. خدایی که از خاک خلق کرده و شب و روز را پدید آورده است، قطعاً می‌تواند دعا را اجابت کند.

حوائجی برای ما پررنگ می‌شود و می‌خواهیم که اجابت شود اما ظن ما به اجابت نکردن است. چند نفر از شما دوست دارید خدمت امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) باشید؟ دعا کنید همین امشب سر سفره حضرت باشید. اگر دعا کنید، اجابت می‌شود. چرا به خدا اطمینان ندارید؟ آنچه می‌خواهید را تبدیل به دعا کنید. دلیل دعا نکردن چیست؟ دعاها کم کم حال را تغییر می‌دهد و اینگونه است که امام‌دار می‌شوی. در خدمت امام حی بودن، واجب است. من وظیفه دارم در خدمت او باشم، پس برای آن دعا کن. اینکه خدا چگونه مستجاب می‌کند در اختیار من نیست.

جرات داشته باش و دعا کن. مشکلات ما از کم جرأتی‌های ماست. این جرأت اگر در اینجا خرج نشود، در گناه خرج می‌شود. انسان حظی از جرأت و شجاعت دارد که وقتی آن را به جا استفاده نکند در گناه و اشتباه به کار می‌برد.

انشاءالله این دعای جمع‌مان باشد که هر روز و هر شب در خدمت امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) باشیم. هر کسی در روز باید ده الی بیست بار (طبق روایت) یادش بیفتد که باید در خدمت امام زمان می‌بوده و نیست. دعا کند که در خدمت او باشد. باید دعا کردن برای انسان سهل باشد.

انشاءالله با امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) محشور شویم و در همه حال بیداری و خواب در خدمت ایشان باشیم. خواب من هم در خدمت ایشان باشد. من می‌دانم که اگر راست بگویم و دعای من باشد، خداوند استجاب می‌کند. من به خودم شک می‌کنم اما به خدا و استجاب‌اش شک نخواهم کرد.

تمرین ما برای هفته بعد، جرأت دعا کردن و خواستن و داشتن افق‌های بلند باشد.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات